



Manifestations of Situational Irony in the 6th Chapter of
Baharestan of Jami

Abdoreza Seif¹ | Arad Gholami²

1. Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: seif@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature,
University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: gholami1@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article (73-90)	Irony as a word means mockery, ridicule, derision, and the like. In Persian literature, there have been many names for all kinds of jokes, with different credits. In contemporary research in this field, irony is used as a word for all texts that are characterized by laughter. In fact, irony is a type of literature that magnifies evil and ugliness. In this descriptive-analytical research, the general and expanded meaning of irony, which includes concepts such as lampoon and facetiae, is used, and after examining the definition and scope of the concept of irony and specifically, situational irony, we will analyze this genre in the sixth chapter of Jami's prose work called Baharestan in order to identify the various statuses that create irony in this text; Finally, we try to analyze why certain statuses are used more frequently. So, in this research, at the theoretical level, the most frequent statuses used to create the situational irony in the classical Persian literature have been discussed and then, at the applied level, the situational irony in a specific literary work has been analyzed using those theoretical tools. On one hand, the descriptive dimension of this paper is based on the explanations about irony, in general, and the situational irony and the statuses which make it, in particular. On the other hand, the analytical aspect of this research is based on the implementation of the aforesaid analysis in the sixth chapter of Jami's Baharestan. The findings of this research show that Jami has used situational irony in more than half of the passages of the sixth chapter of Baharestan, and his most frequent use in creating situational irony has been the status of disagreeable characteristics. In this way, he has ironized both external undesirable traits, such as ugliness, and inner unsavory characteristics, such as oppression. In addition, Jami's use of eight different situations out of the ten most frequent situations that create situational irony in classical Persian literature has displayed a high diversity in the aforementioned book.
Received: 26 July 2023	
In Revised Form: 11 January 2024	
Accepted: 14 January 2024	
Published online: 10 March 2024	
Keywords:	Baharestan, Jami, Joke, Situational Irony, Status of Disagreeable Characteristics.
Cite this article:	Seif, Abdoreza; Gholami, Arad (2024). "Manifestations of Situational Irony in the 6 th Chapter of Baharestan of Jami". <i>Journal of Literary Criticism and Rhetoric</i> , Vol: 12, Issue: 4, Ser.N: 32 (73-90).
DOI:	10.22059/jlcr.2024.362913.1950
Publisher:	The University of Tehran Press. © The Author(s)





نمودهای طنز موقعیت در روضه ششم بهارستان جامی

عبدالرضا سیف^۱ | آزاد غلامی^۲

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: seif@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: gholami1@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	طنز در لغت به معانی مسخره کردن، طعنه زدن، تمسخر نمودن و مانند این‌ها آمده است. در ادبیات فارسی، برای انواع شوخ‌طبعی‌ها، به اعتبارات متفاوت، نام‌های متعددی وجود داشته و دارد. در پژوهش‌های معاصر در این عرصه، طنز به‌عنوان واژه‌ای برای تمام متونی که وجه تمایز آن‌ها، خنده‌آوری است به کار می‌رود. درواقع، طنز، نوعی از ادبیات است که بدی‌ها و زشتی‌ها را بزرگ‌تر می‌نمایاند. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، معنای عام و گسترده طنز، که دربرگیرنده مفاهیمی چون هجو و هزل نیز هست، بیان می‌شود و پس از بررسی تعریف و دامنه مفهوم طنز و به طور خاص، طنز موقعیت، به تحلیل این‌گونه در روضه ششم بهارستان جامی می‌پردازیم تا وضعیت‌های گوناگون ایجادکننده طنز موقعیت را در این متن شناسایی نماییم؛ در نهایت می‌کوشیم تا چرایی بهره‌گیری فراوان‌تر از برخی وضعیت‌های خاص را تحلیل کنیم. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهند که جامی در بیش از نیمی از مطایبه‌های روضه ششم بهارستان، از پردازش طنز موقعیت بهره گرفته است و بیشترین استفاده او در ایجاد طنز موقعیت، از وضعیت اوصاف ناپسند بوده است. وی در این راه هم صفات نامطلوب ظاهری، مانند زشتی و هم ویژگی‌های ناپسند باطنی مثل ستمگری را دست‌مایه طنزپردازی قرار داده است. افزون بر این، استفاده جامی از هشت وضعیت مختلف از میان ده وضعیت پربسامد ایجادکننده طنز موقعیت در ادبیات کهن فارسی، تنوع بالایی را به نمایش گذاشته است.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۲/۰۵/۰۴	
تاریخ بازنگری:	
۱۴۰۲/۱۰/۲۱	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۲/۱۰/۲۴	
تاریخ انتشار:	
۱۴۰۲/۱۲/۲۰	
کلیدواژه‌ها:	بهارستان، جامی، طنز موقعیت، مطایبه، وضعیت اوصاف ناپسند.

سیف، عبدالرضا؛ غلامی، آزاد (۱۴۰۲). «نمودهای طنز موقعیت در روضه ششم بهارستان جامی». پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۱۲، ش ۴، زمستان، پیاپی ۳۲، (۷۳-۹۰).

<https://doi.org/10.22059/jlcr.2024.362913.1950>



۱. مقدمه

طنز در لغت به معانی مسخره کردن، طعنه زدن، تمسخر نمودن و مانند این‌ها آمده است. در ساحت ادبیات، طنز یکی از انواع ادبی فرعی یا گونه‌های روبنایی به شمار می‌رود. در ادبیات کهن فارسی، این نوع ادبی مرز دقیق و روشنی با دیگر انواع همسان، از قبیل هجو، هزل و نقیضه نداشته است و همین امر باعث شده است تا بتوان دامنه‌ای از تعاریف با مصادیق مختلف را به آن نسبت داد و آن را معادل مفاهیمی چون irony و satir در ادب غرب دانست. در تعریفی گسترده می‌توان اظهار داشت که طنز، روشی خاص از بیان خنده‌آور دسته‌ای از مسائل انتقادی است که اشاره صریح به آن‌ها متعذر باشد؛ با هدف تلاش برای طرد یا اصلاح آن‌ها. بر این اساس، ذیل این تعریف، دامنه‌ای از گونه‌های مختلف پدید می‌آید. یکی از این گونه‌ها، طنز موقعیت است. در این پژوهش، پس از بررسی تعریف و دامنه مفهوم عام طنز و به طور خاص، طنز موقعیت، به تشریح این گونه در روضه ششم اثر منثور جامی به نام *بهارستان* می‌پردازیم تا وضعیت‌های گوناگون طنز موقعیت را در این متن شناسایی نماییم.

پژوهش حاضر از دسته پژوهش‌های نظری با رهیافت توصیفی - تحلیلی است و از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده می‌کند؛ به این دلیل و نیز با توجه به موضوع و مورد مطالعه آن، روش گردآوری اطلاعات در آن کتابخانه‌ای است و از منابع چاپی معتبر، اعم از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها استفاده شده است. در سطح تحلیلی، اطلاعات ارائه شده، در چارچوب ابعاد نظری، تبیین شده‌اند. در تمامی مواردی که به منبعی غیرفارسی ارجاع داده شده است، برگردان بخش‌های ذکر شده به فارسی، از نگارنده است.

شایان توجه است که *بهارستان* جامی، به تقلید از *گلستان* سعدی و در هشت روضه نگاشته شده است و مانند آن اثر، بهره فراوانی از انواع مختلف طنز برده است؛ درعین حال، جامی در تبویب اثر خود، صریحاً روضه ششم را به مطایبات اختصاص داده است؛ بنابراین در پژوهش حاضر، بر این بخش از *بهارستان* تمرکز شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع پژوهش حاضر، اثر جامع و مستقلى یافته نشد؛ اما برخی آثار به بخش‌هایی از دامنه آن پرداخته‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. توپال (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی تطبیقی جنبه‌های سیاسی اجتماعی طنز در گلستان، بهارستان و پریشان*، به راهنمایی دکتر علی‌اصغر حلبی، پس از ارائه تعاریفی از انواع طنز، ضمن مروری بر زندگی‌نامه و اوضاع سیاسی روزگار سعدی، جامی و قانلی، اشاراتی کوتاه به ساختار سه کتاب یادشده داشته است. وی در ادامه با احصای مضامین مختلف طنز در این آثار مانند انتقاد از حاسدان، انتقاد از صوفیان، انتقاد از باورهای عامیانه، مناسبات خانوادگی و مذمت شاعران به بررسی آن‌ها پرداخته است. حجم زیادی از این اثر صرفاً به گزارش حکایات و قرار دادن آن‌ها در دسته‌بندی اشاره شده اختصاص یافته و برخلاف عنوان آن، اشارات

قابل توجه و مستدلی به ریشه‌های سیاسی و اجتماعی هر مورد و تأثیرات شرایط هر دوره بر نوع طنز هر اثر در آن یافت نمی‌شود. نبود توجه کافی به گونه‌های طنز همچون طنز کلامی و طنز موقعیت و نیز حکمت عملی طنز و پیوند آن با هنجارها و ارزش‌ها از دیگر کمبودهای این پژوهش است.

۲. خراسانی (۱۳۹۹) در کتاب *طنز همچون شگرد*، فنون مختلف ایجاد طنز و نمونه‌هایی از کاربرد آن‌ها را ارائه کرده است. تضاد، تشابه، اغراق، بازی‌های زبانی، نابیوسانی یا نامنتظره بودن، تبعید متن به حاشیه، وارونگی و مشابه‌نویسی از فنون تشریح‌شده در این کتاب هستند که به ایجاد طنز در کلام و موقعیت می‌انجامند. این اثر، هم توضیح مناسبی از مفاهیم نظری طنز به دست می‌دهد و هم راهنمایی عملی برای طنزنویسی است؛ البته اثری کلی و عمومی است و تنها متمرکز بر *بهارستان جامی* نیست.

۳. شوکتی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان *بررسی و مقایسه زیبایی‌شناسی معنوی گلستان با بهارستان، پیریشان و خرابات*، چهار اثر مزبور را از حیث ابعاد بلاغی و صور خیال با هم مقایسه کرده است. وی بر این باور است که فزونی تشبیهات حسی نسبت به عقلی و کمتر بودن مجاز از ویژگی‌های مشترک این آثار است؛ اما تصویرسازی‌های همسان در تمامی آن‌ها دیده نمی‌شود. این مقاله به مقایسه وجوه طنز در آثار بررسی‌شده پرداخته است.

با تأمل در آثار بیان شده، روشن می‌شود که وجه تفاوت پژوهش حاضر با این آثار بدین شرح است که اولاً تنها به مبانی نظری طنز توجه نمی‌کند و به کاربست آن‌ها در *بهارستان* نیز خواهد پرداخت؛ و ثانیاً در تحلیل متن مزبور، بر طنز موقعیت و وضعیت‌های ایجادکننده آن متمرکز است.

۳. تعریف طنز و بازشناسی دامنه آن

طنز یکی از انواع ادبی یا ژانرهای روینایی یا فرعی است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۴۹). واژه طنز از زبان عربی وارد فارسی شده است. کافی‌الکفات‌الصاحب اسماعیل بن عباد در *المحیط فی‌اللغه* و زمخشری در *اساس‌البلاغه* طنز را به مسخره کردن و استهزا معنا کرده‌اند. جوهری نیز در *صحاح‌اللغه* احتمال معرب بودنش را مطرح کرده است (زارع‌آملی، ۱۳۹۳: ۴۱).

در لغت‌نامه‌های فارسی هم معانی مشابهی برای «طنز» و «طنز کردن» ذکر شده است که چند مورد از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

- فسوس کردن، افسوس کردن، فسوس داشتن، افسوس داشتن، طعنه، ناز، بر کسی خندیدن، عیب کردن، لقب کردن، سخن به رموز گفتن، عیب‌جویی، تمسخر (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹: ۱۳۷۰۱).

- مسخره کردن، سرزنش کردن، ناز، مسخره (معین، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۲۳۷).

- ناز و سخریه و طعنه (نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۳: ۲۲۶۲).

- فرهنگ بزرگ سخن، طنز را چنین تعریف کرده است: شیوه بیان ادبی، اعم از شعر یا نثر که در آن معایب فردی و اجتماعی تمسخر می‌شود و هدف آن اصلاح رفتارهای آدمی است (انوری، ۱۳۸۱/ ۵: ۴۹۰۵).

با این حال، در پژوهش‌های تخصصی در این زمینه به تعاریف مفصل‌تر و روشن‌تری برمی‌خوریم که در حوزه مطالعات ادبی به کار رفته‌اند:

- طنز، روشی ویژه در نویسندگی است که ضمن ارائه تصویری هجوآمیز از ابعاد زشت و منفی حیات، زشتی‌ها و مفاسد جامعه و واقعیات تلخ اجتماعی را به نحوی اغراق‌آمیز و زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست، نشان می‌دهد (آرین‌پور، ۱۳۸۲/ ۱: ۳۶).

- طنز در اصطلاح ادبی، نوعی ویژه از آثار منظوم یا منثور است که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی و یا حتی اندیشه‌های فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد (اصلائی، ۱۳۸۷: ۱۴).

- طنز را می‌توان نوعی از ادبیات دانست که بدی‌ها و زشتی‌ها را بزرگ‌تر می‌نماید (رادفر، ۱۳۶۵: ۳۰).

- طنز، عبارت است از تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۳۹).

- طنز، کلامی است گزنده و تند و تیز و صریح که در لباس ادب آورده می‌شود (غلامی مایانی، ۱۳۹۴: ۲۸).

بررسی متون کهن فارسی نشان می‌دهد که در سده‌های گذشته، واژه طنز به مفهومی که امروزه استفاده می‌شود، به کار برده نمی‌شده است. حتی در دوران انقلاب مشروطه و تا مدتی پس از آنکه طنزنویسی به صورت جدید رواج یافت، اصطلاح طنز به این معنا دیده نمی‌شود. پزشک‌زاد بر این عقیده است که آغاز و فراگیری لفظ طنز مربوط به دهه ۱۳۲۰ هجری خورشیدی است که برخی از بزرگان ادب برای تفکیک طنز از هجویه‌های رکیک مطبوعات این اصطلاح را باب کردند. عباس اقبال آشتیانی و پرویز خانلری، به‌ویژه در معرفی عبید زاکانی، لفظ طنز را اندک‌اندک همراه با واژه‌های دیگری مانند کنایه و مطایبه در برابر ساتیر غربی قرار دادند. (طاهری، ۱۳۹۰: ۳۵ - ۳۶). هرچند واژه طنز برای این نوع ادبی خاص از پیشینه چندانی در حوزه زبان و ادبیات فارسی برخوردار نیست، اما آثاری ادبی در تاریخ ادبیات فارسی به نگارش درآمده‌اند که کلاً یا جزئاً در قالب این‌گونه قرار می‌گیرند.

تحلیل تعاریف بیان‌شده، نشان می‌دهد که ارائه تعریفی از طنز که الزامات شرایط منطقی تعریف را محقق سازد، اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. درواقع می‌توان گفت که برای طنز، تعریفی جامع‌ومانع از نوع حد و رسم منطقی ارائه نشده است. اگر به تعاریف یادشده با نگاه سخت‌گیرانه منطقی بنگریم، می‌توانیم نقدهایی مانند روشن‌تر نبودن معرف از معرف، استفاده از ویژگی‌های بیرونی مفهوم مثل غایت و عدم جامعیت بر آن‌ها وارد کنیم و بسیاری از آن‌ها را حداکثر شرح اسم بدانیم؛ البته باید اذعان داشت که بسیاری از اصطلاحات رایج در شاخه‌های متعدد علوم انسانی، هنر به طور عام و ادبیات به طور خاص چنین‌اند. اختلاف نظرهای متعدد،

برداشت‌های گوناگون و واگرا بودن ذاتی حوزه‌هایی از معرفت بشری از عوامل این پدیده‌اند. به هر روی، این امر پژوهشگر را ملزم می‌سازد که تعریف مد نظر خود را تشریح نماید. در ادبیات فارسی، برای انواع شوخ‌طبعی‌ها، به اعتبارهای متفاوت، نام‌های متعددی وجود داشته و دارد. در پژوهش‌های معاصر در این عرصه، طنز به‌عنوان واژه‌ای برای تمام متونی که وجه تمایز آن‌ها، خنده است به کار می‌رود (کیان‌پور، ۱۳۹۵: ۱۶). در این پژوهش، متناسب با اهداف آن، از همین شیوه پیروی شده است و معنای عام و موسع طنز که دربرگیرنده مفاهیمی چون هجو، هزل و معنای مضیق طنز است به کار گرفته می‌شود. بنابراین، از میان تعاریف تخصصی ذکر شده، تعریف عامی که طنز را نوعی از ادبیات می‌داند که بدی‌ها و زشتی‌ها را بزرگ‌تر می‌نماید، تعریف برگزیده ما خواهد بود.

با توجه به اینکه واژه طنز در مطالعات ادبی فارسی در برابر برخی واژگان رایج در نظریه ادبیات در زبان‌های غربی اصطلاح شده است، مناسب است نگاهی به این واژگان و ترجمه آن‌ها داشته باشیم. بررسی فرهنگ‌های معتبر انگلیسی - فارسی و نیز تاریخچه کاربرد واژه طنز نشان می‌دهد که این واژه به طور خاص در برابر دو واژه انگلیسی، و البته معادل‌های هم‌ریشه فرانسوی آن دو، به کار گرفته شده است: *satire* و *irony*. از میان فرهنگ‌های معتبر، هنزله، جعفری، حییم و علوم انسانی، دو مورد نخست، طنز را از معنای *satire* و همگی به‌استثنای حییم، طنز را از معنای *irony* برشمرده‌اند. (قوام و تجبر، ۱۳۸۹: ۱۷۲). همین هم‌پوشانی، گوناگونی و قرار گرفتن معانی دیگری، از جمله هجو و هزل، در برابر این دو واژه، می‌تواند بیانگر حدی از ابهام، نبود مرز واضح و فقدان تعریف روشن و دقیق طنز در زبان فارسی باشد.

در این پژوهش، متناسب با رویکرد خود در تعریف طنز، واژه انگلیسی *irony* (تلفظ: آیرنی و آیرنی) به‌عنوان معادل معنای موسع طنز به کار گرفته می‌شود. اکنون به برخی از تعاریف این واژه که از حیث اجزای کلام در گروه اسم (noun) قرار می‌گیرد، در واژه‌نامه‌های انگلیسی نظر می‌افکنیم:

- استفاده از کلمات برای بیان چیزی متفاوت و به‌ویژه مخالف با معنای لغوی آن‌ها؛
- سبک (style) یا شکل (form) ادبی غالباً خنده‌دار یا طعنه‌آمیز؛
- ناهماهنگی میان نتیجه واقعی زنجیره‌ای از رویدادها با نتیجه عادی یا مورد انتظار (Merriam-Webster, n.d.).

- موقعیتی که عجیب یا خنده‌آور است به دلیل آنکه اتفاقات به گونه‌ای رخ می‌دهند که به نظر می‌رسد مغایر با توقع و انتظار باشد (Britannica, n.d.).

- سبکی از نوشتار که در آن بین آنچه بیان می‌شود و معنای مورد نظر تفاوت قابل توجه و اغلب شوخی‌آمیز وجود دارد (Cambridge Dictionary, n.d.).

مشاهده می‌شود که تعاریف مختلف این واژه نیز طیف گوناگونی از سبک، شکل، نوع ادبی و گونه‌های متعدد طنزهای کلامی و موقعیت را در برمی‌گیرند. افزون بر این، تأکید اغلب این تعاریف بر عنصر تضاد و تناقض که خمیرمایه اصلی طنز است، مشهود است. نتیجتاً این واژه، معادل مناسبی برای مفهوم عام طنز در این پژوهش است.

رنه ولک و آستین وارن معتقدند که ژانر طنز و مضحکه، ناظر به مسائل مردم عادی است و در طنز معمولاً اهداف اصلاح‌طلبانه و اجتماعی مد نظر هستند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۴۹). جان درایدن، شاعر و درام‌نویس انگلیسی، غایت طنز را اصلاح و برطرف نمودن معایب و نواقص دانسته است و دانیل دفو، نویسنده شهیر انگلیسی، نیز طنز را تهذیب و اصلاح می‌خواند. سارتر بر این باور است که طنز، نیشخندی کنایی و استهزاآمیز است که با ابعاد مضحک و غیرعادی زندگی درآمیخته است. داگلاس گری، پژوهشگر ادبی و متخصص تاریخ ادبیات، عقیده دارد که طنز به‌مثابه ابزار ساده و عیب‌جویانه‌ای برای آموزش و اندرز که جهان را به صورتی شسته‌ورفته به دو اردوگاه متضاد شکست‌خوردگان و برگزیدگان تقسیم کند، بیان نمی‌شود؛ بلکه جریان تناوبی تضادهای اخلاقی آن، مجموعه‌ای از ظنین‌ها را خلق می‌کند که به جهانی با پیچیدگی بی‌نهایت نزدیک می‌شوند. (Nokes, 1993: 98) بنابراین، مفاهیم خوب و بد در طنز به‌وضوح مغایرت رنگ‌های سیاه و سفید نیستند. در نتیجه، این نویسندگان هم با این امر موافق‌اند که درک هدف نهان طنز نیازمند ظرافت، زیرکی و تأمل است و طنز با اندیشه‌ورزی پیوند می‌یابد.

بیشتر تعاریف ارائه‌شده، گویای نگاهی اجتماعی به طنز و قائل بودن به رسالتی اصلاح‌گرایانه و یا حتی انقلابی برای آن هستند. می‌توان گفت که طنز با تکنیک (فن)‌هایی مانند ایهام، جناس، کنایه، پارودی یا نقیضه، سجع و تجاهل‌العارف که در غرب به طنز سقراطی معروف است، در پی اهدافی از جمله استهزا، نیشخند، آگاهی‌بخشی به فرد، حرکت‌آفرینی اجتماعی و بیدار کردن مخاطب خود است (ملایی کیشی، ۱۳۹۷: ۱۰).

۴. گونه‌های طنز

طنز را به اعتبار معیارهای گوناگون طبقه‌بندی کرده‌اند. اساس تقسیم‌بندی گونه‌ها و انواع طنز در این گفتار، بستر و زمینه ایجاد طنز است. به این معنا که گروه‌بندی متون بر این منطبق استوار خواهد بود که وجوه تعارض‌آمیز و خنده‌آور طنز، در معنای گسترده و موسع آن، در روابط کلامی و عناصر زبانی رخ می‌دهند و یا در عناصر موقعیت مانند زمان، مکان و کنشگر. روشن است که به دلیل تمرکز این پژوهش بر یک متن ادبی منشور، طنز موجود، اساساً از مجرای کلام درک می‌شود؛ اما منظور از تقسیم‌بندی کنونی، نه مجرای انتقال پیام که همانا زبان و کلام است، بلکه زمینه آفرینش طنز از سوی نویسنده و درک آن از سوی مخاطب است.

طنز کلامی که طنز عبارتی نیز نامیده می‌شود، به طنزهایی اطلاق می‌شود که ریشه خنده‌انگیزی آن‌ها مبتنی بر موضوعات ادبی و بازی‌های زبانی است. اساس این‌گونه از طنز بر بهره‌گیری از امکانات واژگانی و ساختی زبان است و عامل خنده‌آور در آن، بازی با کلمات و عبارات و به‌هم‌ریختگی روال معمول و بهنجار در زبان است. عبارات مشابه، متضاد و چندپهلوی می‌توانند به ایجاد این‌گونه از طنز بینجامند (رضی‌پور، ۱۴۰۰: ۳۰). به دیگر سخن، طنز کلامی یعنی ملاحظت در کلام، بازی‌های زبانی، شیرین‌زبانی، شوخی کلامی، بیان تضادهای جهان و وارونگی امور به زبانی خنده‌دار (خراسانی، ۱۳۹۹: ۶۳).

غافل‌گیری کلامی که به آن بدیهه‌گویی و حاضر جوابی نیز گفته می‌شود، در جایی دیده می‌شود که گزاره‌ای کلامی، تمام حکایت را در خود فشرده کرده و با ضربه‌ای نهایی و اقناع‌کننده، ضمن نابیوسانی یا نامنتظره بودن، باعث ایجاد خنده می‌شود. نمونه‌ای از این شگرد، حکایت زن لال و حصیر فروش در *دیوان/انوری* است. در این حکایت، زنی که دچار لکنت زبان است، در گفت‌وگویی که به تکرار برخی اجزای کلام به تناسب نوع نقص گفتاری او آمیخته شده است، قیمت حصیر را از فروشنده می‌پرسد و فروشنده به او می‌گوید:

تدبیر نمد کن، به نمدگر شو ازیراک تا نرخ بپرسی تو به دی‌ماه رسد سال
(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۴: ۲۰۳)

به طور خلاصه، طیف وسیعی از صنایع ادبی، اعم از صور خیال که موضوع مطالعه علم بیان‌اند، و آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی، قابلیت و ظرفیت ایجاد طنز کلامی را دارا هستند. برای مثال، نوعی از استعاره که در ایجاد طنز کاربرد فراوانی دارد، استعاره تَهْکُمِیَه خوانده می‌شود. کارکرد زبان‌شناختی آن به این صورت است که لفظ استعاری، به یاری یک قرینه یا انتخاب‌نما، در معنای معکوس خود درک می‌شود. برای مثال، یک گزاره شرطی زبانی به صورت $p \rightarrow q$ در ذهن ما بیان می‌دارد که از دال «تابغه» به مدلول «فردی با بهره هوشی فراوان» برسیم؛ اما با تغییری در آهنگ صدا یا حرکتی مانند درهم کشیدن ابروها می‌توانیم به نفی مدلول برسیم و از لفظ «تابغه» به معنای «کودن» پی ببریم. یعنی به زبان منطق، گزاره به شکل $p \rightarrow \sim q$ درمی‌آید (صفوی، ۱۳۹۹: ۳۹۵). سراینده مثنوی در حکایت عجزه عشوهرگ چنین می‌گوید:

تا که سفره روی او پنهان شود تا نگیں حلقه خوبان شود

باز چادر راست کردی آن تکین عُشرها افتاد از رو بر زمین
(مولوی، ۱۳۹۰: ۸۵۸-۸۵۷)

در این ابیات، واژه‌های «نگین» و «تکین [=زیبا، دل‌نشین]»، مثالی از ایجاد طنز با کاربرد استعاره تهکمیه برای پیرزن عشوهرگ است.

در مقابل طنز کلامی، می‌توان بنیاد و پایه طنز موقعیت را نظریه ناهماهنگی دانست. به بیان شوپنهاور، ناسازگاری موجب خنده می‌گردد. ناسازگاری و عدم تجانس با هدف طنزپردازی به شیوه‌های گوناگونی اعمال می‌گردد. ناسازگاری میان موقعیت و سخن، باعث به وجود آمدن طنز موقعیت می‌شود که وجه تمایز آن، بیان تصاویر، شرایط و موقعیت‌های طنزآمیز بدون تأکید و تمرکز بر روابط بخش‌های کلام است (ایشانی و جان‌محمدی، ۱۳۹۹: ۷-۸). این‌گونه از طنز در طرح و ساختمان روایت رخ می‌دهد و در آن، خود موقعیت‌ها خنده‌آورند. کنار هم قرار دادن دو عنصر که در ویژگی یا ویژگی‌هایی متضاد با یکدیگر باشند این‌گونه از طنز را خلق می‌کند؛ مانند ایجاد صحنه‌ای شامل فیل و فنجان در یک روایت. برخلاف طنز کلامی که به دلیل وابستگی به بستر زبانی اثر، معمولاً با خلاصه‌سازی، بازنویسی یا ترجمه از بین می‌رود، پایستگی طنز موقعیت در این موارد حفظ می‌شود. امری که تکنیک موقعیت در پی آن است، ایجاد خنده از راه آفرینش موقعیتی ناممکن یا دست‌کم دور از ذهن و نامحتمل است. در ادبیات نمایشی به این تکنیک «کمدی موقعیت» گفته می‌شود (خراسانی، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

اساس طنز موقعیت بر تصویرها، تصورها و مفهوماها استوار است. در این نوع طنز، تصویرها، وضعیتها، وقایع و کردار شخصیتها به گونه‌ای روایت شده یا به نمایش درمی‌آیند که دارای جنبه تطبیق، تمثیل، تقابل و مقایسه باشند (رضی‌پور، ۱۴۰۰: ۳۰). این گونه، متکی بر بازی‌های قهقهه‌آمیز زبانی یا روایت‌های طعنه‌آمیز نیست؛ بلکه روح طنز در ژرفای معماری آن پنهان است. در این نوع طنز، وضعیتی خلق می‌شود که خنده مخاطب در آن، نه از سطح الفاظ و عبارات، بلکه از فضا سازی و معماری برخاسته است. در حقیقت، مخاطب در واکنش به عالمی ناشناخته و لرزان در مرز وجود و عدم، به سوی جهان خلق شده حرکت می‌کند و در اثر بالا آمدن طنز موقعیت، با فضایی روبه‌رو می‌شود که در آن واحد، عمیقاً آندوه‌بار و خنده‌دار است (ایشانی و جان‌محمدی، ۱۳۹۹: ۹).

وقتی کسی می‌گوید که موقعیتی را طنزآمیز می‌داند، منظور این است که تصور او از آن، با شیوه معمولی‌ای که موقعیتها با مجموعه مفاهیمشان مطابقت دارند، ناسازگار است و این ناهماهنگی قابل توجه، نوعی واکنش عاطفی خاص را برمی‌انگیزد که حتی ممکن است اهمیت اخلاقی داشته باشد.

اینک مثال‌ها و شگردهایی از طنز موقعیت را تشریح می‌کنیم. ابتدا وضعیتی را در نظر می‌گیریم که در حقیقت رخ داده است. آتش‌نشانان ایستگاه ۲۰ لاس‌وگاس با رها کردن مقداری مرغ در حال پخت در آشپزخانه خود، درحالی‌که برای پاسخ‌گویی به تماس اعلام حریق بیرون رفته بودند، موجب آتش‌سوزی شدند. همان‌طور که سخن‌گوی سازمان آتش‌نشانی شهرستان کلارک می‌گوید: «این فقط نشان می‌دهد که اگر ممکن است برای ما اتفاق بیفتد، ممکن است برای هرکسی اتفاق بیفتد.» ما معمولاً آتش‌نشان‌ها را افرادی می‌پنداریم که آتش را خاموش می‌کنند، نه افرادی که آتش را برمی‌افروزند. این واقعیت که این آتش‌نشان‌ها واقعاً آتش‌سوزی به راه انداختند، واکنش احساسی خاصی را برمی‌انگیزد؛ خنده‌ای به همراه یک پیام اخلاقی هشداردهنده که در نقل‌قول بالا خلاصه شده است (Shelley, 2001: 775-776).

در طنز موقعیت، از تکنیک‌ها و شگردهای متفاوتی استفاده می‌شود؛ نورتروپ فرای معتقد به دو روش اساسی برای خلق موقعیت طنز است:

الف. تأکید ویژه بر اشخاص منفی روایت؛

ب. تأکید ویژه بر موقعیت‌های تعقیب و گریز در روایت (پورمحبی، ۱۳۹۷: ۵۸). از دیگر تکنیک‌های مهم این‌گونه از طنز می‌توان به اجتماع نقیضین، تطبیق و قیاس چند موقعیت متعارض در کنار هم، جابه‌جایی موقعیت‌ها اعم از ترکیب یا تشبیه موقعیت‌ها، محدودیت‌زدایی و عریان‌سازی موقعیت‌های پنهان و تصعید موقعیت مانند بدتر شدن یک موقعیت بد یا عذر بدتر از گناه آوردن اشاره کرد (سلیمی، ۱۳۹۹: ۴۹).

می‌توان شگردهای بنیادین خلق طنز موقعیت را در چهار گروه خلاصه کرد:

الف. شگردهای مربوط به شخصیت‌پردازی (ویژگی‌های ظاهری کاراکترها، شغل و سن آنها،

ارتباطات میان آنها و مانند این مسائل)؛

ب. شگردهای مربوط به کنش‌پردازی (رفتار ناسازگار با شخصیت، حرکات مضحک، تکرار کنش، تقلید رفتاری میان شخصیت‌ها، رفتار ناسازگار با موقعیت، غافل‌گیری)؛

پ. شگردهای مربوط به پیرنگ (واژگونی ارزش‌ها، چرخش ناگهانی و نامنتظر رویدادها، توالی غیرمنطقی آن‌ها)؛

ت. شگردهای مربوط به بافت (زمان و مکان عجیب و ناجور، تعبیر طنزآمیز از صحنه، عناصر ناهم‌خوان در مکان، تناقض زمان یا مکان با کنش‌ها) (ایشانی و جان‌محمدی، ۱۳۹۹: ۱۰-۹).

تعدادی از وضعیت‌های پُرسامد ایجادکننده طنز موقعیت در آثار ادبی، اعم از ادبیات داستانی، تمثیلی و نمایشی، چنین هستند:

الف. وضعیت تلافی: غالباً موضوع انتقام در آثار جدی، در آثار طنز جای خود را به تلافی می‌دهد؛ قهرمانان این آثار، به دلیل خودمحوری، در زمان مواجهه با اشخاص مقابل خود، بیشتر در پی ارضای احساسات شخصی و تلافی نسبت به ضدقهرمان هستند تا گرفتن انتقام از اعمال تبهکارانه و یا اصلاح و تنبیه سازنده او. این وضعیت در اغلب فیلم‌های کمدی لورل و هاردی دیده می‌شود که در آن‌ها، این دو شخصیت به‌عنوان قهرمانان اثر، اغلب بر سر مسائل بی‌اهمیت و پیش‌پاافتاده با دیگران درگیر شده، موقعیت‌های طنز ایجاد می‌کنند. روایت نسبتاً بلند «جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی» در پایان باب هفتم *گلستان* نیز صحنه‌های جالبی از این وضعیت را در خود جای داده است (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۶۸-۱۶۴).

ب. وضعیت اشتباه: شخصیت‌های روایت، اعم از قهرمان و دیگر شخصیت‌ها، ممکن است دچار اشتباه شده، درباره رویدادهای اطراف و یا حتی اعمال و رفتار خود به خطا قضاوت نمایند؛ درحالی‌که مخاطب اثر، نسبت به حقیقت امور آگاه است. همین حرکت آونگی بین این دو امر متعارض، ایجاد طنز می‌نماید (برگسون، ۱۳۷۹: ۷۳). خطاهای پُرشمار قهرمان رمان *دُن کیخوته* (دن کیشوت) اثر میگل دِ سروانتِس، نویسنده شهیر اسپانیایی، از این دست هستند. برای مثال، او آسیاب‌های بادی را با دشمن اشتباه گرفته و با جنگیدن با آن‌ها موقعیت طنز به وجود می‌آورد. در فیلم ایرانی *مارمولک* هم، تعدادی از شخصیت‌ها، خلاف‌های شبانه رضا را به حساب کمک‌های مخفیانه او می‌گذارند و در نتیجه‌ای خنده‌آور، محبوبیت او افزایش می‌یابد. در داستان بشر و ملیخا در هفت‌پیکر نظامی نیز اشتباه گرفتن چاه آب با سبو منجر به مرگ بشر که خود را دانشمندی بزرگ می‌پنداشت، می‌شود (گیتی‌فروز و کدخدای طراحی، ۱۳۹۹: ۲۲۹).

پ. وضعیت عدم تناسب علت و معلول: قوانین علی و معلولی جهان، تناسبی را میان این دو گروه از امور برقرار می‌دارند که در صورت ایراد خدشه بر آن، طنز مجال ظهور می‌یابد. برای نمونه، اگر علتی عظیم برای معلولی ناچیز در نظر گرفته شود و یا عکس این قضیه رخ دهد، امکان ایجاد طنز وجود دارد. همچنین زنجیره‌ای شدن علت‌ها و ایجاد پیامدهای ناخواسته بسیار از دیگر اقسام این وضعیت است. فیلم *کفش‌های میرزا نوروز* مثالی برای این وضعیت است. در برخی داستان‌های هزار و یک شب نیز از چنین تکنیکی استفاده شده است. مثلاً در داستان پُرییچ‌وخم «جوذر»، نزاع سلیم و سالم، برادران جوذر، با او بر سر میراث پدری موجب رخ دادن

سلسله‌ای از حوادث شگفت‌انگیز می‌شود که گاه طنزآمیز هستند. برای نمونه، بخشیدن برادران طماع و ستمکار، در ابتدای داستان، در رزق و روزی را بر جوذر می‌بندد و این عمل پسندیده، نتیجه مناسبی ندارد. در پایان داستان هم، خیانت یکی از برادران به جوذر، متناسب با لطف‌های مکرر وی در حق ایشان نیست (رضداد و رزازی‌فر، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۴۱-۸۱).

ت. وضعیت تکرار: تعارض موجود در وضعیت تکرار، به این دلیل است که دگرگونی، لازمه جریان زندگی است. تکرار می‌تواند در حوادث، اعمال، حرکات، گفتارها و شخصیت‌پردازی نمود یابد. تکرار بسیار فعل «نمی‌دانم» توسط خنیاگر در حکایت «آن مطرب کی در بزم امیر ترک غزل آغاز کرد...» و عصبانیت و برخورد شدید امیر با او در دفتر ششم مثنوی معنوی نمونه‌ای از این وضعیت طنزآمیز است (مولوی، ۱۳۹۰: ۸۳۶).

ث. وضعیت تصادف و شانس: در چنین وضعیتی، علتی نامنتظره و ناگهانی باعث وقوع حوادثی شگفت می‌شود. این وضعیت هم صعود به موقعیت بالاتر را شامل می‌شود و هم تنزل به موقعیت پایین‌تر. در سریال سلطان و شبان، رفتارهای شاهانه سلطان که در جایگاه چوپان قرار گرفته از نمونه‌های طنزآمیز تنزل تصادفی به شمار می‌رود. افزون بر آن، در داستان «غلام بازرگان» در مرزبان‌نامه، رسیدن غلام به پادشاهی در اثر اتفاق و شانس و گم کردن خویش در آغاز سلطنت، مثالی از صعود طنزآمیز به موقعیت بالاتر است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۰). فاش شدن تصادفی اسرار، از دیگر وجوه این وضعیت است.

ج. وضعیت پیوند شخصیت‌های متضاد و متناقض: در این وضعیت، دو یا چند شخصیت با ویژگی‌ها یا اهداف متعارض با یکدیگر پیوند خورده و طنز موقعیت را بر می‌سازند. این عناصر متضاد ممکن است با هم رقابت کنند و یا ناچار به تحمل یکدیگر باشند. مثلاً هم‌خانه بودن تام و جری موجب پیوند آن دو و رقابت فشرده و خنده‌آور و گاه همکاری‌های از سر ناچاری آن دو می‌گردد. هم‌قفس شدن اجباری طوطی و زاغ در باب پنجم گلستان هم از این گونه است (سعدی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

چ. وضعیت تداخل رویدادها: در این وضعیت، هر اندازه پیوند ظاهری دو رویداد کم‌رنگ‌تر و پیوند ادعایی میان آن‌ها در اثر طنز پررنگ‌تر باشد، شدت تداخل و نتیجتاً سطح طنز اثر بالاتر می‌رود. ارائه دلایلی برای ارتباط دادن دو امر ظاهراً بی‌ربط از روش‌های ایجاد این وضعیت است. برای مثال، شکسپیر در نمایشنامه هملت استدلال می‌کند که گذر شاه به ماهیگیر خواهد افتاد؛ چرا که بدن شاه پس از مرگ، طعمه کرم‌ها و کرم‌ها طعمه ماهی‌ها و ماهی غذای ماهیگیر خواهد شد.

ح. وضعیت جابه‌جایی: گستره این وضعیت، انواع مختلفی مانند جابه‌جایی اهداف، افراد، توقعات و نقش‌ها را در بر می‌گیرد. طنز این وضعیت، بیشتر متکی به کنش‌ها و واکنش‌های افراد جابه‌جاشده در موقعیت جدیدشان است. عوض شدن جای دو شخصیت اصلی در داستان شاهزاده و گدا نوشته مارک تواین مثالی برای این وضعیت است. همچنین عوض شدن نقش طلبکار و بدهکار در پایان داستان روستایی و شهری در دفتر سوم مثنوی معنوی، موجد طنز موقعیت برجسته‌ای از این نوع است (زمانی، ۱۳۹۹: ۱۶۸).

خ. وضعیت رفتارها و اوصاف ناپسند شخصیت‌ها: این نوع وضعیت به «طنز مینیپوسی» که برگرفته از نام مینیپوس کلبی (Menippus of Gadara) است، نیز مشهور است و بیشتر متمرکز بر گرایش‌های ذهنی و طرز فکر افراد است. این شیوه طنزپردازی، متعصبان، متکبران، فضل‌فروشان، اشخاص طماع و دیگر افراد دارای ردایل اخلاقی را به تصویر می‌کشد و نقد می‌کند (نیمروزی، ۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۱۲). در مصادیق این وضعیت، خصوصیاتمانند حماقت، وسواس، ترس، خست، دروغ‌گویی، فضولی و مانند این‌ها، نقش محوری را در طرح داستانی بازی می‌کنند. نمایشنامه معروف مولیر، کمدی‌نویس بزرگ فرانسوی، با عنوان *حسیس*، نمونه درخشانی از این وضعیت است که در آن، خست و مال‌دوستی شدید آریاگون منجر به حوادث طنزآمیز بسیاری می‌شود.

د. وضعیت مسائل جنسی و عاطفی: در این گونه از طنز موقعیت، مسائل مربوط به حوزه‌های انحراف اخلاقی از جمله خیانت همسران، چشم‌چرانی، رقابت بر سر جنس مخالف و اغوا و فریب و یا حوزه‌های روابط عاطفی مثل بازی با مفهوم عشق، بی‌اعتنایی و فراموشی عشاق و عشق به معشوق ناپاک دست‌مایه طنزپردازی واقع می‌شوند. شور و اشتیاق شخصیت اصلی داستان کنیزک و خر خاتون در دفتر پنجم *مثنوی معنوی* برای کام‌جویی از خر، نمونه‌ای از این وضعیت است (زرین‌کوب، ۱۳۹۸: ۴۰۸).

ذ. وضعیت مرگ: در این وضعیت با محور قرار دادن مرگ و مسائل جنبی آن مانند جهان پس از مرگ، ارث و میراث، بازگشت از مرگ و ترس از مرگ یا مرده به خلق طنز پرداخته می‌شود. برای مثال، می‌توان از نمایشنامه *مرگ در می‌زند* نوشته وودی آلن نام برد (پورمحبی، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۵۹). به‌علاوه، در داستان «آن کنیزک کی با خر خاتون شهوت می‌راند» در *مثنوی معنوی*، افزون بر مذمت شهوت‌رانی، نوع مرگ خاتون، خنده‌آور است و موجب رخ نمودن طنز موقعیت شده است. به تعبیر سراینده آن، «مرگ بد با صد فضیحت، ای پدر» (بلخی، ۱۳۱۲: ۸۶-۸۹).

با در اختیار داشتن ابزار نظری مناسب و متناسب، در گفتار بعد، وضعیت‌های موجد طنز موقعیت را در روضه ششم *بهارستان* تشریح می‌کنیم.

۵. طنز موقعیت در روضه ششم *بهارستان*

عنوان روضه ششم *بهارستان* جامی، «در وزیدن نسایم ملاطفت و روایح مطایبات که غنچه لب‌ها را بخنداند و شکوفه دل‌ها را بشکفاند» است. چنان‌که از این عنوان و مقدمه متن برمی‌آید، این روضه به بیان مطایبات پرداخته است. برخی از ۵۵ مطایبه این روضه، تماماً به نظم هستند. در ادامه، مطایبات مشتمل بر طنز موقعیت را بررسی می‌کنیم.^۱

۱. تمامی ارجاعات این گفتار، مربوط به این منبع هستند:

جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۹). *بهارستان و رسائل جامی*، تصحیح: اعلاخان افسح‌زاد، محمدجان عمراف و ابوبکر ظهورالدین، تهران: میراث مکتوب، صص ۹۶-۱۲۱.
اعداد درون کمانک، بیانگر شماره صفحه هستند.
در متن کتاب، مطایبه‌ها فاقد شماره‌اند.

وضعیت جابه‌جایی شاکی و متهم در مطایبه نخست و کشمکش اصمعی و اعرابی، طنز موقعیت را در این مطایبه شکل داده است (۹۷).

اوصاف ناپسند شخصیت در مطایبه چهارم، یعنی فضولی و نادانی، طنز منیپوسی را بر پایه ویژگی‌های نامطلوب روانی ایجاد کرده است (۹۹).

طنز موقعیت مطایبه پنجم، مشتمل بر وضعیت اشتباه است. انسان پنداشتن سگ توسط مست، موجب ایجاد این طنز است (۱۰۰).

عدم تناسب علت، یعنی به دوش رفتن قاضی و خدمت به او، با معلول، یعنی محکوم شدن به حبس، طنز مطایبه ششم را بر ساخته است (۱۰۱-۱۰۰).

اشتباه جولاه در منحصر دانستن تدریس به جنباندرن سر، مطایبه هفتم را مشتمل بر طنز موقعیت کرده است (۱۰۱).

مطایبه نهم، مشتمل بر اشارات طنزآمیز جنسی در مورد یک ویژگی بدنی همسر یکی از لشکریان عمرو لیث است (۱۰۲-۱۰۳).

مطایبه دهم نیز حاوی طنزی بر پایه امور جنسی و قیاس فاحشگان سه شهر قم و کاشان و بغداد است (۱۰۳).

طنز موقعیت مطایبه ۱۱ هم بر اساس امور جنسی پرداخته شده است (۱۰۳-۱۰۴).

ویژگی نامطلوب زشتی صورت جاحظ در مطایبه ۱۴ و الگو قرار دادن آن برای ساخت تمثال شیطان، موجد طنز در این متن شده است (۱۰۵).

هر دو مطایبه ۱۵ و ۱۶ نیز، یک ویژگی نامطلوب ظاهری شخصیت، یعنی زشتی را برجسته ساخته‌اند (۱۰۵-۱۰۶).

مطایبه ۱۷ نیز بر پایه تمرکز بر بزرگی بینی خواستگار و ارتباط دادن آن با تاب‌آوری در مقابل سختی‌ها پرداخته شده است (۱۰۶).

مطایبه ۱۹، مصداقی برای وضعیت طنزآمیز تلافی است. پاسخ عقیل به معاویه، تجلی این تلافی است (۱۰۶-۱۰۷).

مطایبه ۲۳، اوصاف ناپسند کسانی را دست‌مایه طنزآفرینی کرده است که از مردی به‌دور دانسته می‌شده‌اند (۱۰۸-۱۰۹).

تلافی بهلول در مطایبه ۲۴ و به شمار آوردن وزیر از حیوانات و رعایای خویش، طنز این متن را شکل داده است (۱۰۹).

مطایبه ۲۵، با نکوهش صفت ستمگری حاکم و وزیر در تصرف بخشی از اموال توانگر متوفی، پرداخته شده است (۱۰۹).

طنز موقعیت در مطایبات ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بر ویژگی نامطلوب حماقت بنا شده است (۱۱۰-۱۱۱).

در مطایبه ۳۱، بوی بد دهان فرد تلقین‌دهنده، وصف ناپسند جسمانی‌ای است که طنز بر محوریت آن شکل یافته است (۱۱۱).

ترجیح کوژپشت در مطایبه ۳۳، کوژپشت شدن سایرین و نه راست‌قامت شدن خود است. دلیل این امر تلافی نگاه‌های دیگران دانسته شده است؛ لذا، طنز این متن بر وضعیت تلافی متکی است (۱۱۲-۱۱۳).

طنز موقعیت در مطایبه ۳۵ بر امور جنسی و کام‌جویی فراوان شوهر از زن متمرکز است (۱۱۳-۱۱۴).
 مطایبه ۳۶ نیز از امور جنسی و ناتوانی پیرمرد در نعوظ برای ایجاد طنز بهره برده است (۱۱۴-۱۱۵).
 در مطایبه ۳۸، عدم تناسب علت، یعنی همراه بودن گربه با شتر، با معلول، یعنی قیمت بالای آن دو، موجد طنز موقعیت است (۱۱۵).
 شرم طبیب از مردگان گورستان در مطایبه ۴۰، مصداقی از ایجاد طنز موقعیت بر اساس وضعیت مرگ است (۱۱۶).
 مطایبه ۴۳، صفت فزون‌خواهی فرزندی را که افزون بر ارث، خواهان دیه پدر است، به نحوی طنزآمیز به تصویر کشیده است (۱۱۷).
 پاسخ کنیزک و جابه‌جایی توقعات ناشی از آن، در مطایبه ۴۴، طنز موقعیت را ایجاد کرده است (۱۱۷).
 مطایبه ۴۵، بر محور امور جنسی نگاشته شده است و خالی از رکاکت لفظ هم نیست (۱۱۸).
 تلافی شاعر در پاسخ به هم‌سفره خود درباره گرمی پالوده در مطایبه ۴۷، طنزآمیز است (۱۱۸).
 در مطایبه ۵۳، پُرخلل بودن غزل شاعر، ویژگی نامطوبی است که محور پردازش طنز قرار گرفته است (۱۲۱).
 ذم شبیه به مدح برخی شعرا در مطایبه ۵۵، مشتمل بر وضعیت تداخل رویدادها است. پیوند ظاهری ناتوانی شاعر در خواندن و نوشتن و شناخت وزن با بی‌عیبی او، کم‌رنگ و پیوند ادعایی میان این مسائل، با ارجاع به ویژگی‌های پیامبران (علیهم‌السلام) پُررنگ است (۱۲۱).

۶. نتیجه‌گیری

بر پایه مطالب گفتار پیشین، از میان ۵۵ مطایبه روضه ششم بهارستان جامی، در ۳۱ مورد، طنز موقعیت مورد شناسایی قرار گرفت. جدول ۱، بسامد وضعیت‌های گوناگون ایجادکننده طنز موقعیت در این ۳۱ مطایبه را نشان می‌دهد:

جدول ۱. وضعیت‌های گوناگون طنز موقعیت در روضه ششم بهارستان جامی

وضعیت	تعداد مطایبه	نسبت وضعیت به کل طنز موقعیت	نسبت وضعیت به کل مطایبات
اوصاف ناپسند	۱۳	۴۱/۹۴٪	۲۳/۶۴٪
امور جنسی	۶	۱۹/۳۵٪	۱۰/۹۱٪
تلافی	۴	۱۲/۹۰٪	۷/۲۷٪
جابه‌جایی	۲	۶/۴۵٪	۳/۶۴٪
اشتباه	۲	۶/۴۵٪	۳/۶۴٪
بی‌تناسبی علی	۲	۶/۴۵٪	۳/۶۴٪
مرگ	۱	۳/۲۳٪	۱/۸۲٪
تداخل رویدادها	۱	۳/۲۳٪	۱/۸۲٪
مجموع	۳۱	۱۰۰٪	۵۶/۳۶٪

تحلیل داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که جامی در بیش از ۵۶٪ از مطایبه‌های روضه ششم بهارستان، از پردازش طنز موقعیت بهره گرفته است. استفاده از ۸ وضعیت مختلف از میان ۱۰ وضعیت پُربسامد طنز موقعیت در ادبیات کهن فارسی، تنوع مناسبی را در این زمینه به نمایش می‌گذارد. بیشترین استفاده جامی در ایجاد طنز موقعیت، از وضعیت اوصاف ناپسند بوده است. وی در این راه هم صفات نامطلوب ظاهری، مانند زشتی و هم ویژگی‌های ناپسند باطنی مثل ستمگری را دست‌مایه طنزپردازی قرار داده است.

در مورد چرایی تفاوت میزان بهره‌گیری هر شاعر یا نویسنده از وضعیت‌های مختلف برای ایجاد طنز موقعیت باید گفت که طیفی از عوامل مختلف فردی و اجتماعی در این مسئله دخیل هستند. سبک شخصی نویسنده و گرایش شخصی او به پرداختن به برخی مسائل، از عوامل فردی این امر به شمار می‌روند. افزون بر این، مسائل سیاسی و اندیشگانی، مانند اندیشه‌های حاکمان عصر و اعتقادات دینی، باید به‌عنوان عواملی اجتماعی در نظر گرفته شوند.

به طور خاص، تحلیل داده‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که تمرکز اصلی جامی بر طنزپردازی با تکیه بر نقد اوصاف مذموم جسمانی و روانی است. این امر، حاکی از پذیرش اجتماعی پرداختن به این دسته از معایب در زمانه جامی است؛ به‌ویژه که این صفات ناپسند، غالباً دامنه شخصی دارند و نمی‌توانند به‌عنوان تعریضی بر حاکمان در نظر گرفته شوند و برخورد سیاسی حاکمیت را به دنبال داشته باشند و از این راه، هزینه سنگینی را بر نویسنده تحمیل نمایند.

افزون بر این، پرداختن نسبتاً فراوان جامی به مسائل جنسی نیز نشان می‌دهد که این مسائل در ادوار تاریخی گذشته، رکاکت چندانی نداشته‌اند و نویسندگان بزرگ هم ابایی از استفاده طنزآمیز از آن‌ها از خود نشان نمی‌داده‌اند. چنان‌که باب‌های پنجم و ششم گلستان سعدی که اساساً مورد تقلید جامی در نگارش بهارستان بوده است، نیز نمونه‌های متعددی از این وضعیت را بازتاب می‌دهند.

درنهایت باید گفت مسائلی که با اعتقادات دینی مسلط شخص و زمانه پیوند می‌خورند، کمتر مجالی برای طنزپردازی دارند؛ مرگ، یکی از این مسائل است و به همین دلیل است که کمترین بهره‌گیری از آن را در ایجاد طنز، در ادبیات کهن به طور عام و در بهارستان به طور خاص، شاهد هستیم.

منابع

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲). *از صبا تا نیما*. ج ۱. چاپ هشتم. تهران: زوار.
- اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۷). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. تهران: کاروان.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۵. تهران: سخن.
- ایشانی، طاهره؛ جان‌محمدی، علی (۱۳۹۹). «تحلیل و بررسی طنز موقعیت در مجموعه داستان کوتاه آبشوران از درویشیان». *تاریخ ادبیات*، دوره ۱۳، شماره ۱: ۲۸-۵.
- برگسون، هانری (۱۳۷۹). *خنده*. ترجمه عباس باقری. تهران: شب‌ویز.
- بلخی، جلال‌الدین (۱۳۱۲). *مثنوی معنوی*. تصحیح رینولد الین نیکلسون. لیدن: بریل.
- پورمجبی، فرزین (۱۳۹۷). *فنون نگارش طنز در ادبیات نمایشی*. چاپ دوم. تهران: ساقی.

- توپال، شاهین (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی جنبه‌های سیاسی-اجتماعی طنز در گلستان، بهارستان و پریشان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۹). *بهارستان و رسائل جامی*. تصحیح: اعلاخان افصح‌زاد، محمدجان عمراف و ابوبکر ظهورالدین. تهران: میراث مکتوب.
- خراسانی، رضا (۱۳۹۹). *طنز همچون شگرد؛ اولین راهنمای عملی طنزنویسی*. تهران: اساطیر پارسی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. ج ۳، ۹ و ۱۴. تهران: روزنه.
- رادفر، عبدالحسین (۱۳۶۵). «گفتاری کوتاه درباره طنز». *کیهان فرهنگی*، شماره ۲۸: ۳۰-۳۱.
- رضاداد، علیرضا؛ رزازی‌فر، اقدس (۱۳۹۱). *هزار و یک شب؛ قصه‌های گزیده*. ج ۱. چاپ هشتم. تهران: قدیانی.
- رضی‌پور، پرنیا (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی طنز (رویکردها و تئوری‌ها)*. چاپ دوم. تهران: آرمان پژوهان.
- زارع آملی، عزیزالله (۱۳۹۳). *طنز در آیینة قفه*. قم: مرکز فقهی ائمة اطهار (ع).
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۸). *بحر در کوزه؛ نقد و تفسیر قصه‌ها و تمثیلات مثنوی*. چاپ هفدهم. تهران: نشر علمی.
- زمانی، کریم (۱۳۹۹). *شرح جامع مثنوی معنوی*. دفتر سوم. چاپ سی و یکم. تهران: اطلاعات.
- سعدی، مشرف‌الدین (۱۳۸۷). *گلستان سعدی*. به تصحیح و توضیح یوسفی، غ. چاپ هشتم. تهران: خوارزمی.
- سلیمی، محمد (۱۳۹۹). *حکمت طنز؛ مبانی نظری و کاربردی و جایگاه آن در رسانه*. قم: دین و رسانه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). «طنز حافظ». *حافظ*، شماره ۱۹: ۳۹-۴۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۴). *مفلس کیمیا فروش*. چاپ پنجم. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *انواع ادبی*. چاپ دهم. تهران: فردوس.
- شوکتی، آیت (۱۳۹۹). «بررسی و مقایسه زیبایی‌شناسی معنوی گلستان با بهارستان، پریشان و خرابات». *زیبایی‌شناسی ادبی*، شماره ۴۵: ۳۵-۶۵.
- صفوی، کورش (۱۳۹۹). *آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی*. چاپ دوم. تهران: نشر علمی.
- طاهری، نسترن (۱۳۹۰). «بررسی طنز در گلستان و بوستان سعدی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه سمنان.
- غلامی مایانی، ابوالقاسم (۱۳۹۴). *طنز و طنزپردازی*. کرج: نارین رسانه.
- قوام، ابوالقاسم؛ تجبر، نیما (۱۳۸۹). «واژه طنز چگونه و از چه زمانی اصطلاح شد؟». *تاریخ ادبیات*، شماره ۶۲: ۱۸۷-۱۶۷.
- کیان‌پور، لیلا (۱۳۹۵). «بررسی تقابل‌های دوگانه در طنز معاصر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شهرکرد.
- گیتی‌فروز، علی‌محمد؛ کدخدای طراچی، مهدی (۱۳۹۹). *متون نظم ۳ (خاقانی و نظامی)*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی معین*. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- ملایی کیشی، مهری (۱۳۹۷). «بررسی عناصر زبانی و بلاغی طنزآفرین در اشعار طنز معاصر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۹۰). *مثنوی معنوی*. به اهتمام سبحانی، ت. چاپ نهم. تهران: روزنه.
- میرزایی، علی؛ سرمدی، مجید؛ محمدی‌بدر، نرگس (۱۳۹۴). *برگزیده و شرح مرزبان‌نامه*. تهران: دانشگاه پیام نور.

نفیسی، علی اکبر (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. ج ۳. تهران: کتابفروشی خیام.
 نیمروزی، رسول (۱۳۷۷). «بررسی مقایسه‌ای طنز از دیدگاه هانری برگسون و منتقد آمریکایی نورترپ
 فرای». پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱۴: ۱۱۲-۱۰۵.

References

- Anvari, Hassan (2002). *Farhang-e Bozorg-e Sokhan*. Vol. 5. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Aryanpour, Yahya (2003). *Az Saba ta Nima*. Vol. 1. 8th printing. Tehran: Zavar. (in Persian)
- Aslani, Mohammad Reza (2008). *Glossary of Humorous Terms*. Tehran: Karavan. (in Persian)
- Balkhi, Jalal al-din (1933). *Masnavi-ye Ma'navi*. Edited by Reynold Alleyne Nicholson. Leiden: Brill. (in Persian)
- Bergson, Henri (2000). *Laughter*. Translated by Arjmand, M. Tehran: Shabaviz. (in Persian)
- Britannica. (n.d.). "Irony". (observed: 7/30/2022) Retrieved from <https://www.britannica.com/dictionary/irony>
- Cambridge Dictionary. (n.d.). "Irony". (observed: 7/30/2022) Retrieved from <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/irony>
- Dehkhoda, Ali Akbar (1994). *Loghatnameh-ye Dehkhoda*. Vol. 3, 9 & 14. Tehran: Rowzaneh. (in Persian)
- Ghavam, Abulghasem, & Tajabbor, Nima (2009). "How and since when was the word Tanz used?". *History of Literature*, 62 (3): 167-187. (in Persian)
- Gholami Mayani, Abulghasem (2015). *Humor & Making Humor*. Karaj: Narin Rasaneh. (in Persian)
- Gitiforooz, Ali Mohammad, & Kadkhoday Tarrahi, Mehdi (2020). *Poetry Texts 3 (Khaqani & Nezami)*. Tehran: Payam-e Noor University. (in Persian)
- Ishany, Tahereh, & Janmohammadi, Ali (2020). "Analysis of Situational Humor in the Darvishian's Short Story Collection, Abshouran". *History of Literature*, 13 (1): 5-28. (in Persian)
- Jami, Nuruddin Abdurrahman (2000). *Baharestan va Rasa'el-e Jami*. Corrected by Alakhan Afsahzad, Mohammadjan Omarov & Abubakr Zohouroddin. Tehran: Miras-e Maktoub. (in Persian)
- Khorasani, Reza (2020). *Humor as a Trick; the First Practical Guide to Humor Writing*. Tehran: Asatir-e Parsi. (in Persian)
- Kianpour, Leila (2016). "Examining Dual Confrontations in Contemporary Satire". MA Thesis in Persian Language and Literature. University of Shahrekord. (in Persian)
- Merriam-Webster. (n.d.). "Irony". (observed: 7/30/2022) Retrieved from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/irony>
- Mirzayi, Ali, Sarmadi, Majid, & Mohammadi Badr, Narges (2015). *Anthology and Explanation of Marzban Nameh*. Tehran: Payam-e Noor University. (in Persian)
- Mo'in, Mohammad (1985). *Farhang-e Farsi-ye Mo'in*. Vol. 2. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Molavi, Jalal al-din (2011). *Masnavi-ye Ma'navi*. Explained by Sobhani, T. 9th printing. Tehran: Rowzaneh. (in Persian)
- Mollayi Kishi, Mehri (2018). "Investigation of Satire Making Lingual and Rhetorical Elements in Contemporary Satirical Poems". MA Thesis in Persian Language and Literature. Vali-e-Asr University of Rafsanjan. (in Persian)
- Nafisi, Ali Akbar (1964). *Farhang-e Nafisi*. Vol. 3. Tehran: Khayyam Bookstore. (in Persian)

- Nimrouzi, Rasool (1998). "A comparative analysis of humor from the point of view of Henri Bergson and Northrop Frye". *Communication Research*, No. 14: 105-112. (in Persian)
- Nokes, David (1993). "Augustanism". In Coyle, Martin, Garside, Peter, & Peck, John (Eds.) *Encyclopedia of Literature and Criticism* (93-105). London: Routledge.
- Pourmohebbi, Farzin (2018). *Humor Writing Techniques in Dramatic Literature*. 2nd printing. Tehran: Saghi. (in Persian)
- Radfar, Abdolhossein (1986). "A Short Speech about Humor". *Kayhan-e Farhangi*, No. 28: 30-31. (in Persian)
- Razipour, Parnia (2021). *Sociology of Humor (Approaches and Theories)*. 2nd printing. Tehran: Armanpajouhan. (in Persian)
- Rezadad, Ali Reza, & Razzazifar, Aghdas (2012). *One Thousand and One Nights; Selected Stories*. Vol. 1. 6th printing. Tehran: Ghadyani. (in Persian)
- Saadi, Mushrifuddin (2008). *Golestan-e Sa'di*. Corrected and explained by Yousefi, Gh. 8th printing. Tehran: Kharazmi. (in Persian)
- Safavi, Kourosh (2020). *Familiarity with Linguistics in Persian Literature Studies*. 2nd printing. Tehran: Nashr-e Elmi. (in Persian)
- Salimi, Mohammad (2020). *The Wisdom of Humor; Theoretical and Practical Basics and Its Position in the Media*. Qom: Din va Rasaneh. (in Persian)
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2005). "Hafez's Humor". *Hafez*, No. 19: 39-43. (in Persian)
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2015). *Mofles-e Kimiyaforoush*. 5th printing. Tehran: Sokhan. (in Persian)
- Shamisa, Sirous (2004). *Literary Genres*. 10th printing. Tehran: Ferdows. (in Persian)
- Shelley, Cameron (2001). "The bicoherence theory of situational irony". *Cognitive Science*, Vol. 25, Issue 5: 775-818.
- Shokati, Ayat (2020). "Investigating and comparing the spiritual aesthetics of Golestan with Baharestan, Parishan and Kharabat". *Literary Aesthetics*, 11 (45): 35-65. (in Persian)
- Taheri, Nastaran (2011). "Analysis of Humor in Saadi's Golestan & Bustan". MA Thesis in Persian Language and Literature. Semnan University. (in Persian)
- Topal, Shahin (2015). "Comparative Study of Socio-political Aspects of Humor in Golestan, Baharestan and Parishan". MA Thesis in Persian Language and Literature. Islamic Azad University, Central Tehran branch. (in Persian)
- Zamani, Karim (2020). *Comprehensive Explanation of Masnavi-ye Ma'navi*. Vol. 3. 31st printing. Tehran: Ettelaat. (in Persian)
- Zare' Amoli, Azizollah (2014). *Humor in the Mirror of Jurisprudence*. Qom: Markaz-e Feqhi-ye A'emme-ye Athar (AS). (in Persian)
- Zarinkoub, Abdolhossein (2019). *Bahr dar Kouzeh; Criticism and Interpretation of Masnavi Stories and Allegories*. 17th printing. Tehran: Nashr-e Elmi. (in Persian)